



9 ثور روز ملی مقاومت مسالمت آمیز مردم افغانستان

درست 29 سال قبل از امروز (9 ثور 1359) متعلمین و محصلین کابل با ندا های "روسها از خاک ما بیرون شوید!" چنان لرزه بر اندام کرمین نشینان تجاوزگر و عمال خلقی- پرچمی ارگ نشین آن انداختند که آنان با سرشکستگی و سراسیمگی تمام از زمین و هوا دست به سلاح برده و نعره های آزادیخواهانه و تجاوزستیزانه متعلمین و محصلین را ددمنشانه با منطق زور و سلاح درهم کوفتند.

آنگاه که ناهید صاعد و وحیبه خالقی در پیشاپیش هزاران هزار دختران مکاتب شهر کابل با سرکشیدن نعره های دشمن سوز "الله اکبر"، "آزادی، آزادی، آزادی" و "روس ها از خاک ما بیرون شوید" به رسم اعتراض چادر های سفید شانرا به طرف عساکر و صاحبمنصبان رژیم مزدور حزب دموکراتیک خلق پرتاب کرده، با طعن آنان را چنین از شرم آب میگردند: "اگر شما قادر به بیرون راندن روسها نیستید، پس شما این چادر ها را به سر کنید و بگذارید که ما آنها را بیرون نماییم." اما این "اردوی قهرمان مجهز با ایدیالوژی دورانساز دیکتاتوری پرولتاریا" با استشاره باداران روسی از ترس موج خروشان تظاهرات مسالمت آمیز اما سهمناک همه توانایی شانرا از دست داده و با دستپاچگی تمام صفوف فشرده آزادیخواهان جوان را از زمین و هوا به رگبار مرگ بستند. بدین ترتیب ناهید و سحیبه اولین جوانزنانی بودند که طی این راهپیمایی های اعتراضی مسالمت آمیز از طرف نامردان انقلابی با خون پاک شان جاده های کابل را رنگین ساختند.

یکتن از اعضای خانواده ناهید صاعد با درد و دریغ از آن روزگاران چنین یادآور میشود: "خبر مرگ ناهید جوانمرگ به زودی سراسر شهر را فرا گرفت. جنایتکاران خلقی و پرچمی اجساد خون آلود جوانان معترض را با شتاب بجای نامعلومی منتقل نمودند، در حالیکه صدها و شاید هزاران جوان دیگر را رمه وار در وسایط نظامی بار نموده به بازداشتگاه ها و زندانهای مخوف انتقال دادند، اما بیخبر از آنکه 9 ثور دیگر در تاریخ معاصر کشور به مثابه روز مقاومت مسالمت آمیز جوانان رقم خورده و تا ابد جاودانه خواهد ماند." اینمرد که فعلا در حدود 45 سال عمر دارد و در آنزمان متعلم صنف دوازدهم لیسه امانی بود، در حالیکه بغضش را در گلویش خفه میکند اشکهایش را با سرانگشتانش پاک کرده خاطراتش را چنین دنبال میکند: " پدرم نظر به شناسایی که با والی کابل داشت دریافت که جسد بیجان ناهید در شفاخانه چهارصد بستر زندانی است. آری زندانی، زیرا اجازه دیدن و تسلیمی آنرا نداشتیم. بالاخره با وساطت والی وقت محض هشت تن از اعضای خانواده شامل مادرش اجازه یافتند تا در نیمه شب با شهید نامراد شان وداع نموده و او را با لباس خون آلودش در دل شب به خاک سپارند. آنچه هیچگاه فراموشم نمیشود زخم سر ناهید شهید بود که گلوله قسمت بالایی کاسه سرش را از هم جدا نموده بود و از آن همچنان خون جریان داشت."

مزار ناهید شهید در شهدای صالحین در آرامگاه خانوادگی اش بشکل متروک و بدور از انظار قرار دارد. سال آینده که سی سال از این واقعه المناک میگذرد باید دولت، نمایندگان مردم در پارلمان، نهاد های جامعه مدنی و حقوق بشری بخاطر یادبود از شهداء مقاومت مسالمت آمیز و ترویج مبارزه مسالمت آمیز در کشور در اعمار چنین آبدی ای مجدانه سعی نمایند. در کشوری که از دهه ها بدینسو جنگ و خونریزی چاشنی زندگی مردم آن گردیده و با مرگ جنگاوران آن جاده ها، مکاتب و مناطق بنام آنها نامگذاری میگردد پس به پاس رشادت این چنین قهرمانانی که با دستان خالی و به دور از هرگونه رنگ تعلق به ندای وجدان عاشقانه و جانبازانانه پاسخ داده و بر هر آنچه تجاوز و حق تلفی است یکسره خط بطلان کشیده اند، اعمار چنین آبدی ای نمایانگر یک فرهنگ متعالی و ارج گذاری به ارزش های بی بدیل میباشد. همچنان تطبیق مشی عدالت انتقالی و ایجاد یک دادگاه ویژه جهت رسیدگی به جنایات ضد بشری و جرایم جنگی در کشور بیانگر احترام به خون پاک شهداء کشور در سی سال گذشته و گام عملی در راستای عدم تکرار و جلوگیری از جنایات ضد بشری در آینده خواهد بود. افغانستان که بیشتر از سی سال در آتش جنگ، تجاوز و نقض گسترده حقوق بشر میسوزد، ایجاد یک نهضت فراگیر اعتراض و مقاومت مسالمت آمیز برای آن دستاوردی بزرگی محسوب میشود که با پاسگذاری به قربانیان این دوره در جهت تطبیق عدالت انتقالی که هماکنون در سردخانه ریاست جمهوری محبوس است با استواری و استقامت عمل خواهد نمود. امید میرود تا سال آینده در سی مین سالگرد یادبود از نهم ثور شاهد عملی شدن برخی از نکات فوق باشیم.

در پایان از همه جوانان کشور تقاضا میرود تا با آگاهی تاریخی و علمی و ارجگذاری به ارزش های دینی و فرهنگی کشور ثابت و شعوری گام بگذارند. جوانان منحنی یگانه نیروی که آبادی، آزادی و حفظ ارزش های این خاک تاریخی در قید امانت آنها خواهد بود، باید با مسئولیت پذیری از آندم بهره‌یازند که با درد و دریغ به گذشته بنگرند، چنانچه شاعری این احساس را چنین بیان داشته است:

در پی آنهمه خون که بر این خاک چکید

شرم ما باد این نام

نگ ما باد این نان

ما نشستیم و تماشا کردیم

محمد صدیق مصدق

کابل - افغانستان

ms_mossadeq@yahoo.com

